

مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال یازدهم، شماره بیست و یک، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۳۱-۱۵۹

مبانی قاعده «ابطال ناپذیری خون محترم» با رویکردی به قانون مجازات اسلامی

۱۳۹۲

ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی^۲

دانشیار گروه الهیات، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

طیبه احمدی^۳

دانش آموخته کارشناسی ارشد، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

چکیده

اسلام برای پاسداشت خون انسان‌ها، ارزش بسیاری قائل است و نمی‌گذارد که قطره‌ای از خون افراد به ناحق ریخته شود؛ قانون مجازات اسلامی نیز در ماده ۴۸۷ در صورت عدم شناسایی قاتل، بیت المال را مسئول دیه می‌داند. ولی به موجب ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث، مصوب ۲۶ شهریور ۱۳۴۷ که به منظور «حمایت از زیان دیدگان حوادث رانندگی،...، فرار کردن یا شناخته نشدن مسئول حادثه...» تصویب شده است، صندوق خسارت-های بدنی را مسئول پرداخت دیه می‌داند. با توجه به موارد بالا که در مورد «عدم شناسایی قاتل» مشترک هستند ولی مرجع پرداخت دیه متفاوت می‌باشد، این پرسش پیش می‌آید که رویه قضایی در مورد مسئولیت پرداخت دیه چگونه است؟ چه ارتباطی بین این دو صندوق هست؟ در این مقاله، این نتیجه به دست می‌آید که از نظر رویه قضایی در سال ۱۳۸۷، در دادسرا و دادگاه برای پرداخت دیه، مسئولیت این دو صندوق، گاهی به صورت طولی (ابتدا صندوق خسارت بدنی و بعد بیت المال) و گاهی به صورت عرضی (صندوق خسارت و بیت المال در عرض همدیگر) می‌باشد و یا قاضی ابتدا صندوق خسارت بدنی را مسئول پرداخت می‌کند و نسبت به مابه‌التفاوت دیه، بیت المال را مسئول پرداخت می‌کند. ولی با توجه به نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه در سال ۱۳۹۲، بین این دو صندوق تمییز قائل شده است، بدین صورت که در صورت صدمات بدنی، صندوق خسارت‌های بدنی، مسئول پرداخت دیه می‌باشد و در صورت عدم شناسایی قاتل، نوبت به بیت المال می‌رسد که اولیای دم با ارائه مدارک مورد نیاز و با مراجعه به مرجع مورد نظر، برای وصول دیه اقدام می‌کنند.

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۰/۵؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۲/۱۴

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): Alishahi@yu.ac.ir

۳. پست الکترونیک: tayebah.ahmadi97@gmail.com

کلیدواژه‌ها: قتل، دیه، لایبطل دم امرء مسلم، بیت المال، صندوق تأمین خسارت بدنی.

۱. پیشگفتار

در اسلام، حفظ خون انسان، دارای ارزش و اهمیت زیادی است، و قاعده‌ی «لایبطل دم امرئ مسلم» بر یک قاعده فقهی، و آمارانه است که بر این مطلب دلالت دارد، که خون مسلمان نباید هدر برود و این قاعده، روایات زیادی را به خود اختصاص داده است و هم-چنین، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ در ماده ۴۸۷ گفته شده است: «اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود یا بر اثر ازدحام کشته شود دیه از بیت المال پرداخت می‌گردد» و نیز ماده‌های دیگری وجود دارد که مضمون آن‌ها هم به این ماده برمی‌گردد. این ماده به صورت مطلق بیان شده است، به گونه‌ای که زمان و مکان در آن دخیل نیست و دیه بر عهده بیت المال است. ولی با وجود مسئولیت بیت‌المال در مورد پرداخت دیه در صورت عدم شناسایی، صندوقی مستقل، به نام صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به وجود آمده که به موجب ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه مصوب ۸۷/۴/۱۶ بیان می‌کند: «به منظور حمایت از زیان دیدگان حوادث رانندگی، خسارت‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه نامه، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق تأمین بیمه‌گر، فرار کردن و یا شناخته نشدن مسؤل حادثه و یا ورشکستگی بیمه‌گر قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی خسارت‌های بدنی خارج از شرایط بیمه نامه» را بر عهده می‌گیرد و مسؤل پرداخت دیه می‌باشد. در این ماده وظیفه صندوق خسارت‌های بدنی را نیز همانند بیت‌المال می‌دانند هر چند مواردی که بیان شد نسبت قلمرو مسئولیت بیت‌المال محدود هست ولی در یک مورد که آن‌هم «عدم شناسایی شخص متواری شده» است مشترک هستند و این اشتراک، باعث شده که دو صندوق که مسؤل پرداخت دیه باشند ما را برآن داشته است که در این مقاله در پی کنکاش و بررسی مبانی و ایجاد این دو صندوق از نظر روایات، دیدگاه فقها، قانون باشیم که بدانیم علت به

وجود آمدن صندوق خسارت‌های بدنی در مورد عدم شناسایی شخص متواری چیست وقتی بیت‌المال وجود دارد که این مسئولیت را برعهده بگیرد. و همچنین به بررسی این دو صندوق، از دیدگاه رویه قضایی بپردازیم تا جایگاه این دو صندوق و ارتباط آن‌ها در تصمیم‌گیری‌هایی که مربوط به پرداخت دیه می‌شود را بدانیم.

۲. دیه در لغت و اصطلاح

دیه از «ودی» پولی است که در مقابل ریختن و جاری شدن خون پرداخته می‌شود. دیه، خون‌بها است. (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۱۹۵) دیه مالی است که شارع آن را بر قتل خطایی و شبه عمد و هم‌چنین در چیزی که قصاص از جنایت بر اعضا و منافع منع شده باشد، قرار داده است؛ (صدر، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۲۵۰) بنابراین، دیه مالی است که به اولیای مقتول برای جبران خسارت داده می‌شود و مقدار آن در قتل خطای محض و شبه عمد معین است و اما در قتل عمد مقدار آن بر طبق توافق طرفین معین می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ص ۱۴۰) در قانون جدید سال ۱۳۹۲ یک تعریف درباره دیه آورده شده که در ماده ۴۴۸ می‌گوید: «دیه مقدر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است».

۳. قاعده «لایبطل دم امرئ مسلم»

از دیدگاه اسلامی، انسان در بین سایر موجودات از جایگاه والا و ارزش ویژه‌ای برخوردار است. حفظ حیات انسان مورد توجه اکید اسلام قرار گرفته و حفظ جان هر فرد را بر دیگران واجب کرده و آن را یکی از مهم‌ترین واجبات شمرده است. و در قرآن کریم و سنت نبوی و احادیث اهل بیت علیهم السلام با تأکید فراوان یاد شده است. «و هر کس، انسانی را از

مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه‌ی مردم را زنده کرده است».^۱ (مائده/۳۲) در آیه دیگر خداوند می‌فرماید: «هر کس مؤمنی را به عمد و خواسته و دانسته بکشد، مجازاتش آتش جهنم است که در آن برای همیشه خواهد ماند و مورد خشم و غضب و دوری از رحمت خدا واقع خواهد شد. و عذابی بسیار عظیم و سخت، برایش آماده و فراهم ساخته است».^۲ (نساء/۹۳) در حدیثی از حضرت رسول اکرم (ص) آمده است: به حق آن خداوندی که جانم در قبضه‌ی قدرت او است، که اگر اهل آسمان و زمین همه شریک شوند در خون مؤمنی، خدا همه را در آتش اندازد. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۲۷۳؛ مغربی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۰۲) با توجه به این‌که حفظ جان انسان‌ها در اسلام دارای اهمیت و احترام زیادی است و کسی که خون دیگری را به عمد می‌ریزد به حکم اسلام و قانون قصاص می‌شود و در صورتی که شبه عمد و یا خطایی محض باشد دیه به عهده خود قاتل یا عاقله او می‌باشد و اما در صورتی که قاتل مشخص نباشد دیه او از بیت المال پرداخته می‌شود. روایاتی که دلالت بر پایمال نشدن خون مسلمان دارد، به صورت یک قاعده‌ی فقهی با نام «قاعدة لایبطل دم امری مسلم» در آمده است. (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۳، ص ۴۱۰؛ مصطفوی، ۱۴۱۷، ص ۱۲۹) در ذیل روایاتی دالّ بر این‌که در صورت مشخص نبودن قاتل، بیت المال متحمل پرداخت دیه خواهند شد:

الف. امیر المؤمنین (ع) درباره مردی که کشته شده بود و مشخص نبود قاتل او کیست، قضاوت کرد و فرمود: اگر اولیایی برای وی شناخته شد که دیه‌ی او را مطالبه کردند، از بیت المال مسلمانان دیه او پرداخت می‌شود، و خون مرد مسلمان ضایع نمی‌شود. زیرا میراث او برای امام است پس دیه‌ی او هم بر امام است.^۳ (مجلسی دوم اصفهانی، ۱۴۰۴، ج ۲۴،

۱. «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»

۲. «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا»

۳. «قال: قضی امیر المؤمنین (ع) فی رجل وجد مقتولاً لا یدری من قتله، قال: ان کان عرف له اولیاء یطلبون دیته أعطوا دیته من بیت مال المسلمین و لا یبطل دم امرئ مسلم».

ص ۱۷۴؛ حرّعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۱۴۵) سند روایت صحیح و موثق می‌باشد. (مجلسی اصفهانی، ۱۴۰۶، ج ۱۰، ص ۲۹۵)

ب. از امام صادق(ع) چنین آمده است: «اگر جسد شخصی در بیابان یافت شود، دیه‌ی او از بیت المال پرداخت می‌شود. همانا امیرالمؤمنین(ع) همیشه می‌فرمود: خون مسلمان هدر نمی‌رود»^۱ (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۴، ص ۵۱۵) و هم‌چنین از پیامبر اکرم(ص) روایت شده: خون مسلمان هدر نمی‌رود. (ابن ابی جمهور احسایی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۳۶۵؛ کاظمی، بی تا، ج ۴، ص ۲۲۹) این روایت موثق می‌باشد. (مجلسی اصفهانی، ۱۴۰۶، ج ۱۰، ص ۲۹۵)

ج. ابوبصیر روایت می‌کند از امام صادق(ع) در مورد شخصی که مرتکب قتل عمد شده و پس از آن اقدام به فرار نموده بود، پرسیدم: در صورتی که به قاتل دسترسی نباشد چه باید کرد؟ امام(ع) فرمودند: «اگر قاتل مالی دارد، دیه‌ی مقتول از اموال او گرفته می‌شود و آلا از بستگان او با رعایت الاقرب فالاقرب؛ و اگر قاتل بستگانی نداشت، دیه‌ی مقتول را امام می‌پردازد. پس به درستی که خون مسلمان نباید هدر رود»^۲. (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۴، ص ۵۲۲؛ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۶۲) ظاهر تعلیل بر این است: همان‌طور که میراث برای امام می‌باشد، دیه هم بر عهده امام می‌باشد. ولی بیت المال در حکم، مال امام نیست، از آن جهت که بدون دیگران حق تصرف دارد. لذا گفته می‌شود دیه بر عهده امام می‌باشد بر اوست که از بیت المال بپردازد. (مجلسی اصفهانی، ۱۴۰۶، ج ۱۶، ص ۴۲۰) محمد تقی اصفهانی می‌گوید: این روایت موثق است. (مجلسی اصفهانی دوم، ۱۴۰۶، ج ۱۰، ص ۴۱۶)

۱. قال ابی عبدالله علیه السلام: «وَإِنْ كَانَ بِأَرْضِ فَلَاةٍ أُدِّيَتْ دِيَّتُهُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ، فَإِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: لَا يَبْطُلُ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ».

۲. قَالَ ابی عبدالله(ع): «إِنْ كَانَ لَهُ مَالٌ، أُخِذَتِ الدِّيَّةُ مِنْ مَالِهِ، وَإِلَّا فَمِنَ الْأَقْرَبِ فَأَلْقَرِبِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ قَرَابَةٌ، وَدَاهُ الْإِمَامُ؛ فَإِنَّهُ لَا يَبْطُلُ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ».

د. جمیل بن دراج از امام صادق (ع) نقل می‌کند که به امام عرض کردیم: آیا شهادت زنان در حدود پذیرفته می‌شود؟ امام فرمودند: تنها در قتل پذیرفته می‌شود (زیرا) علی (ع) به طور مداوم می‌فرمود: خون مسلمان هدر نمی‌رود. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۳۹۰؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۲۶۶) سند روایت خوب است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۱۰۲)

ه. روایت امیرالمؤمنین (ع) که فرمودند: کسی که در ازدحام جمعیت، در روز جمعه یا روز عید یا بر پل، فوت کند، بیت المال دیه‌ی او را می‌پردازد.^۱ (ابن بابویه، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۵۶۴) این روایت صحیح می‌باشد. ظاهر تعلیل بر این است: همان طور که میراث برای امام می‌باشد دیه هم بر عهده امام می‌باشد. ولی بیت المال در حکم مال امام، از آن جهت که بدون دیگران حق تصرف دارد نیست. لذا گفته می‌شود دیه بر عهده امام می‌باشد بر اوست که از بیت المال بپردازد. (مجلسی اصفهانی، ۱۴۰۶، ج ۱۶، ص ۴۲۰)

دیدگاه فقها در مورد قاعده: مقصود از این قاعده، بیان اهمیت خون مسلمان از جهت ساقط نشدن دیه‌ی مقتول است. نتیجه قاعده مذکور، آن است که هرگاه قاتل معلوم نباشد و یا اگر قاتل معلوم است امکان گرفتن دیه از او به دلیل متواری بودن، فقر یا مورد دیگری وجود ندانسته باشد، پرداخت دیه‌ی مقتول بر عهده‌ی بیت المال قرار می‌گیرد؛ زیرا در غیر این صورت خون مقتول پایمال می‌گردد.

الف. شیخ مفید می‌گوید: کسی که در محل‌های نماز جمعه یا بر پل‌ها، مرزها، بازارها، اطراف حجرالاسود، در کعبه و زیارت‌گاه‌های ائمه اطهار (ع) کشته شود، قصاص ندارد و واجب است که از بیت‌المال دیه‌ی او به اولیایش پرداخته شود و اگر ولی نداشته باشد، دیه‌ای بر بیت المال ندارد. (مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۴۱)

۱. قال امیرالمؤمنین: « مَنْ مَاتَ فِي زَحَامِ النَّاسِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَوْ يَوْمَ عَرَفَةَ أَوْ عَلَى جِسْرِ لَا يَعْلَمُونَ مَنْ قَتَلَهُ فَلَيْتَهُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ ».

ب. فقیه دیگری می‌گوید: کسی که در شلوغی روز جمعه یا روز عرفه یا بر جسر و نظایر آن یعنی مواضعی که در آن جا مردم ازدحام می‌کنند، بمیرد و قاتلش معلوم نشود، دیه‌اش بر بیت المال است، به شرطی که خون‌خواهی، برایش موجود باشد و اگر خون-خواهی نداشت، دیه‌ای برایش نیست. (محقق حلی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۳۹۷)

ج. فخر المحققین در توضیح کلام علامه (در صورتی که کسی دو نفر را کشته باشد و اولیای یکی از مقتولان مبادرت به قصاص می‌کند، اقرب آن است که دیگران حق اخذ دیه را داشته باشند)، می‌نویسد: «دلیل قوّت قول علامه این است، که اگر اخذ دیه را از جانب اولیای دم جایز ندانیم، لازم می‌آید که خون مسلم در معرض بطلان واقع شود. اما این ملازمه به دلیل کلام امام (ع) که خون مسلم نباید به هدر رود، صحیح نیست، پس اخذ دیه لازم است». (فخر المحققین، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۵۷۳)

ه. یکی از فقیهان معاصر در پاسخ به این سؤال که پسر بچه‌ای که در کوچه بازی می‌کرده و موتور سوار ناشناسی مواد منفجره را در کوچه رها کرده باشد و باعث مرگ کودک شود، گفته است: اگر مواد منفجره را موتور سوار ناشناس در آن کوچه رها کرده باشد با استدلال به قاعده «لا یبطل دم امرئ مسلم» که خون مسلمان نباید هدر رود دیه‌ی پسر بچه از بیت المال پرداخته می‌شود و الاً اگر مواد منفجره را آن موتور سوار ناشناس، رها نکرده باشد، دیه بر بیت المال نیست. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۴۸۷)

و. مرحوم بهجت می‌گوید: اگر قاتل متعمّد فرار کرد و مایوس از وصول به او شدند، محتمل است استحقاق دیه از مال او؛ و اگر مالی نباشد یا متعذر باشد استیفاء دیه از آن، محتمل است استحقاق دیه از بیت المال، بعد از عاقله و عدم تمکن استیفاءش از آن‌ها یا ورثه او به ترتیب ارث، یا مطلقاً. (بهجت گیلانی، ۱۴۲۶، ج ۵، ص ۵۸۱)

۴. بیت المال و قانون مجازات اسلامی

قانون‌گذار اسلامی، دیه را برای احترام خون مسلمان وضع نموده است که در زمره حقوق مالی اشخاص محسوب می‌شود. در باب حقوق مالی، اصل بر مذاقه بوده و در این عرصه، اصول عقلایی مثل اصل عدم اشتباه، اکراه، غفلت و نظایر آن جاری می‌شود. از این رو به مجرد شبهه، حق مسلمان ساقط نمی‌شود؛ البته در مواردی بالتبع، وجوب پرداخت دیه ساقط می‌شود که این مطلب به ندرت مورد توجه واقع شده است.^۱ باید توجه داشت که مسأله تأثیر شبهه در دیات - گرچه به طور غیر مستقیم - وقتی می‌تواند مطرح شود که در ابتدا قصاص واجب باشد، آن‌گاه به دلیل حصول شبهه، قصاص ساقط شود، سپس جایگزینی دیه مطرح گردد؛ ولی اگر ابتداء دیه واجب شود، مانند جنایات شبه عمدی و خطایی محض، پر واضح است که شبهه هیچ تأثیری ندارد. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۸۶)

اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این باره مقرر می‌دارد: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی شود، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت، خسارت به وسیله‌ی دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده‌ی حیثیت می‌شود». در مواردی که قاتل مسلمان، دارای عاقله نباشد و یا عاقله وی توانایی پرداخت دیه را نداشته باشد، مسؤولیت پرداخت دیه بر عهده‌ی بیت المال مسلمین قرار می‌گیرد. در این گونه موارد، در واقع دولت به قائم مقامی از عاقله، پرداخت دیه و جبران

۱. زمانی که خود قاتل اذن داده است؛ شهید ثانی این مطلب را نیز یادآور می‌شود: فان لم نقل بالقصاص ففی ثبوت الدیه ایضا و جهان مبینان علی انّ الدیه تجب للورثة ابتداء عقیب هلاک المقتول، أو تجب للمقتول فی آخر جزء من حیاته، ثم ینتقل الیهیم. فعلى الاول تجب و لم یؤثر اذنه و علی الثانی لا؛ و یؤتیه انّ وصایاه تنفذ منها و یقضی دیونه و لو ثبت للورثة ابتداء لما کان کذلک کزواند التركة، و لو قیل بانتقالها الیهیم بالموت. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۹۰)

خسارت را عهده‌دار می‌شود؛ زیرا به هر حال در جامعه اسلامی، خون مسلمان نباید هدر شود و از طرفی، هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند. به همین دلیل، قانون‌گذار در مواد ۳۱۲ و ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰، بیت المال را در مواد مزبور مسئول پرداخت دیه دانسته است.

الف. ماده ۳۱۲ «هر گاه جانی دارای عاقله نباشد یا عاقله او نتواند دیه را در مدت سه سال بپردازد دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود».

ب. ماده ۳۱۳ «دیه‌ی عمد و شبه‌عمد بر جانی است لکن اگر فرار کند از مال او گرفته می‌شود و اگر مال نداشته باشد از بستگان نزدیک او با رعایت "الاقرب فالاقرب" گرفته می‌شود و اگر بستگانی نداشت یا تمکن نداشتند دیه از بیت المال داده می‌شود».

ج. ماده ۳۲۲ «موردی که مأمور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی بدون هیچ‌گونه تخلفی از مقررات تیراندازی کرده باشد و در نتیجه‌ی آن، افراد بی‌گناهی کشته یا مجروح شده باشد، پرداخت دیه و جبران خسارت بر عهده‌ی سازمان مربوطه خواهد بود». و حال آن‌که در قانون جدید مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ علاوه بر موارد مشخصه که در بالا ذکر شده، ماده ۴۸۷ است که به صورت مطلق، بیان می‌دارد: «اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود یا بر اثر ازدحام کشته شود دیه از بیت المال پرداخت می‌گردد».

۴. ۱. موارد پرداخت دیه از بیت المال

الف. در قتل عمد و شبه‌عمد، اگر قاتل فرار کرد و مال نداشت، دیه بر الاقرب فالاقرب است. و با نبود قرابت بر بیت المال است و همین‌طور در هر قتلی که قاتل مشخص نباشد. ب. اگر اجرای حد یا تعزیر، سبب قتل شود؛ دیه بر بیت المال است. ج. اگر بعد از قتل، فسق شهود ظاهر شود، دیه بر بیت المال است. د. در قطع ید و ظهور فسق شهود، دیه بر بیت المال است. ه. اگر اهل ذمه مرتکب جنایت موجب دیه شوند و مالی نداشته باشند، دیه بر بیت المال است که مشروط به پرداخت جزیه است. و. در مواردی که دیه بر عاقله

است و عاقله وجود ندارد یا از پرداخت آن عاجز است. ز. در موردی که قاضی شرع، مطابق موازین شرعیه حکم کند و پس از اجرای آن خطای او معلوم شود؛ دیه بر بیت المال است. (فاضل لنکرانی، بی تا، ج ۱، ص ۵۲۶)

۴. ۲. مسؤلیت بیت المال

از مهم ترین وظایف حکومت‌ها برقراری نظم و امنیت است، زیرا امنیت، لازمه‌ی تمامی فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و... است. حکومت دینی نیز از چنین قاعده‌ای مستثنا نیست. بر حکومت است که ارتکاب قتل‌ها و وقوع درگیری‌ها را به حداقل ممکن کاهش دهد و اصولاً زمینه‌های بروز آن را از بین ببرد و اگر احیاناً، قتلی به وقوع پیوست، قاتل را دستگیر کند و به سزای عملش برساند. حال اگر حکومت در این امر توفیق نیافت، باید دیه‌ی مقتول را پردازد تا خسارتی که از طریق سهل انگاری حکومت به خانواده‌ی مقتول وارد شده است جبران گردد. (اباذری فرمشی، ۱۳۷۹، ص ۳۲۴؛ عوض ادریس، ۱۳۷۲، ص ۲۳۷) دلایلی که می‌توان اثبات کرد که دولت مسئول پرداخت دیه مقتول است به شرح ذیل آمده است:

الف. قاعده «الضمان بالخراج»: قاعده‌ی مزبور که با عناوین دیگری چون «کل من له الغنم فعلیه الغرم» و قاعده‌ی «التلازم بین النماء و الدرک» نیز شناخته می‌شود، نوعاً، در مبحث اموال مورد استناد قرار گرفته است، لکن باید گفت که در مباحث مربوط به دیات نیز جریان دارد. در روایات متعددی وجود دارد که امام از شخص بی وارث، ارث می‌برد و مسؤلیت جنایات خطایی چنین شخصی را بر عهده می‌گیرد. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۱۶۹)

۱. در روایت ابی ولاد از امام صادق (ع) نقل شده است که امام در مورد مردی که کشته شده و ولی دمی غیر از امام ندارد، فرمود: «امام نمی‌تواند قاتل را عفو کند، بلکه یا باید او را قصاص کند و یا دیه را بگیرد و در بیت‌المال مسلمانان قرار دهد. هم‌چنان که

جنایت مقتول بر عهده‌ی بیت‌المال است، دیه‌ی او نیز برای امام مسلمانان خواهد بود». (حرّعاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۹، ص ۱۲۵)

۲. در روایت سلیمان بن خالد از امام صادق(ع) آمده است: درباره‌ی وارث دیه‌ی مسلمانی که کشته شده و تنها یک پدر نصرانی دارد، پرسیدم. امام فرمود: «دیه‌ی مقتول گرفته می‌شود و در بیت‌المال مسلمانان قرار می‌گیرد، زیرا جنایت چنین شخصی بر عهده‌ی بیت‌المال مسلمانان است». (همان)

چنان‌که روایات تصریح کرده‌اند، در مواردی که شخص ورثه‌ای غیر از امام نداشته باشد، اموال او به امام یا بیت‌المال منتقل می‌گردد. در قبال چنین امتیاز و نفعی، بیت‌المال نیز متقابلاً، مسئولیت قتل خطایی چنین افرادی را بر عهده می‌گیرد. علاوه بر روایات، در نوشته‌های بسیاری از فقیهان به این مسئله اشاره شده است که بین ارث بردن از شخص بی‌وارث و قبول مسئولیت جنایات خطایی او ملازمه وجود دارد. (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۰۹؛ بحرالعلوم، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۲۳۱)

ب. قاعده لایبطل: قاعده «لایبطل...»، دلالت بر حمایت از حق حیات و وظیفه حفظ نفوس با ضمانت اجراهای مربوطه را دارد؛ ولی اعمال این ضمانت اجرا و مجازات نسبت به متجاوزان، در همه موارد، با استناد به قاعده صورت نمی‌گیرد. در صورتی که جرم از طریق بینه یا اقرار به اثبات برسد و قاتل شناسایی شود، در اعمال ضمانت اجراهای مربوط به حمایت از حق حیات، نیاز به استناد به قاعده نیست. ولی در صورتی که بینه و اقراری وجود نداشته باشد، نیاز به قاعده‌ی «لایبطل...» می‌شود و روایاتی که دالّ بر این مطلب است در ذیل آمده است:

۱. امیر المؤمنین(ع) درباره مردی که کشته شده بود و مشخص نبود قاتل او کیست، قضاوت کرد و فرمود: اگر اولیایی برای وی شناخته شد که دیه‌ی او را مطالبه کردند، از بیت‌المال مسلمانان دیه او پرداخت می‌شود، و خون مرد مسلمان ضایع نمی‌شود. زیرا میراث او

برای امام است پس دیه‌ی او هم بر امام است. (اصفهانی، ۱۴۰۶، ج ۱۰، ص ۲۹۵؛ نجف آبادی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۱۸)

۲. از امام صادق (ع) چنین آمده است: «اگر جسد شخصی در بیابان یافت شود، دیه‌ی او از بیت‌المال پرداخت می‌شود. همانا امیرالمؤمنین (ع) همیشه می‌فرمود: خون مسلمان هدر نمی‌رود». (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۴، ص ۵۱۵؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۲۰۴) و هم-چنین از پیامبر اکرم (ص) روایت شده: خون مسلمان هدر نمی‌رود. (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۳۶۵؛ کاظمی، بی تا، ج ۴، ص ۲۲۹)

با توجه به قاعده‌ی «غرم» و قاعده‌ی «لایبطل» می‌توان این را نتیجه گرفت قاعده‌ی «لایبطل...» زمانی مسئولیت بیت‌المال مطرح است، که یا امکان انتساب قتل به شخص خاصی وجود ندارد و یا آن‌که امکان مطالبه‌ی خون‌بها از قاتل، به دلیل فرار یا اعسار او وجود ندارد اما در مورد قاعده‌ی «غرم» این گونه نیست، بلکه تنها حکمت مسئولیت بیت‌المال، همان انتفاع حکومت از میراث شخص بی وارث است؛ لذا حتی در صورت تمکن قاتل بی وارث، بیت‌المال مسئول پرداخت خون‌بهای مقتولی است که به وسیله او و به صورت خطا به قتل رسیده است.

ج. جنبه‌های سیاسی: در صورتی که یکی از شهروندان غیر مسلمان مرتکب جنایت خطا گردد، به دلیل این‌که در میان آن‌ها عاقله وجود ندارد، خود او باید دیه را بپردازد. اما در صورت عدم تمکن مالی او، بیت‌المال دیه‌ی مقتول را به نیابت از کافر ذمی خواهد پرداخت. (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۳، ص ۴۳۰؛ طباطبایی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵۱۲)

۱. در روایت ابی ولاد از امام صادق (ع) آمده است: «بین اهل ذمه در جنایت قتل یا جراحت، معاقله وجود ندارد، بلکه دیه از اموال ایشان گرفته می‌شود. پس اگر مالی نداشته باشند، مسئولیت جنایت متوجه امام مسلمین می‌شود زیرا آن‌ها به امام جزیه می‌پردازند». (حرّ عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۹، ص ۳۹۱)

اگر دلیل مسئولیت بیت المال در مورد دیه‌ی مقتولی که به دست کافر ذمی به قتل رسیده است، پرداخت جزیه از سوی کافر ذمی باشد، یعنی دلیل برخورداری آنان از این امتیاز، تکلیفی باشد که در مقابل حکومت اسلامی دارند، (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۳، ص ۴۳۰) در این صورت، می‌توان این نظر را داد که مسئولیت بیت المال در واقع بر اساس مبنای قبل یعنی قاعده‌ی «غرم» خواهد بود.

۲. در نصوص روایی عامه در جریان حکم تاریخی پیامبر اکرم (ص) به پرداخت دیه از بیت المال در قضیه انصار و قتل عبدالله بن سهل توسط یهود، آمده است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: کراهت دارد خون مسلمان پایمال شود.^۱ (نسایی، ۱۹۳۰، ج ۸، ص ۱۲)

د. مصالح اجتماعی و اعتقادی: الف. یکی از مصارف زکات، پرداخت آن به غارمین (توبه/ ۶۰) یعنی افراد مدیون و بدهکاری است که دینی بر ذمه‌ی آنهاست و توان پرداخت آن را ندارند، مشروط بر آن که سبب دین، امری حرام و معصیت‌آمیز نباشد. (مکارم شیرازی، کد ۱۴۲) از سوی دیگر، دیه در قتل شبه عمد و خطای محضی که با اقرار، قسامه و علم قاضی ثابت شده، دینی بر گردن قاتل است. حال هرگاه قاتل توان پرداخت این دین (خون‌بهای مقتول) را نداشته باشد، می‌توان از سهم بدهکاران، مبلغ دیه را در اختیار قاتل قرار داد تا با پرداخت دیه مقتول، دین خویش را ادا نماید.

ب. روایت معتبر ابی مریم از امام باقر (ع) را که نقل گردید که در آن امام فرموده بود: «حضرت علی (ع) چنین حکم کردند که مسئولیت قتل یا جراحاتی که ناشی از خطای قاضی باشد، بر عهده‌ی بیت المال است». (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۳۵۴) اقدام بیت المال در پرداخت دیه‌ی کسی که در اثر اشتباه قابل اغماض قاضی به قتل رسیده است، موجب می‌شود که قضات با اطمینان خاطر و بدون دغدغه به ایفای وظیفه بپردازند و قدرت خلاقیت و ابتکار عمل داشته باشند. اگر بنا باشد کارگزاران حکومتی، خصوصاً قضات که دائماً احتمال خطا و اشتباه در آرای آنان وجود دارد، نگران مسئولیت و ضمان خویش باشند،

۱. «کره رسول الله (ص) أن یبطل دم امریء مسلم».

چنین مسئولیتی را نخواهند پذیرفت و این موجب اختلال در نظام اجتماع خواهد بود. به گفته دیگر، اگر قاضی در حکم خطا کند و به سبب حکم او مالی یا جانی به ناحق تلف گردد، در حالی که او جهت رسیدن به حق کوشش و تلاش نموده است، شکی نیست که اتلاف این مال و نفس موجب ضمان است... نصب قاضی از مصالح مسلمانان است، پس اگر جبران خسارت را از مال قاضی لازم بدانیم، ممکن است کسی منصب قضاوت را قبول نکند و امور مسلمین تعطیل گردد. (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۶، ج ۱۲، ص ۴۰)

ه. جهات عاطفی: در حکومت دینی به دست آوردن قلوب مردم و مدارا با آنها، اصلی مسلم و روشن است. اگر دیوانه‌ای که عقل ندارد، به سوی شخص دیگری حمله کند و آن شخص نیز در دفاع از خود مجنون را به قتل برساند، طبق قواعد عمومی دفاع مشروع، باکی بر شخص مدافع نیست و عمل او جرم محسوب نمی‌شود. در این حالت نمی‌شود دیه را از شخص دفاع کننده دریافت کرد، زیرا عمل او قانونی و موجه بوده است. با وجود این، بیت المال با پرداخت دیه‌ی مجنون که قادر به ارزیابی عمل خود نبوده است در صدد تألیف قلوب بازماندگان و دل‌جویی از آنان برمی‌آید. مسئولیت بیت المال در مورد پرداخت دیه در چنین مواردی، مورد تصریح روایات و فقها است. (خویی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۰؛ حسینی شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۸۹، ص ۱۹۴؛ رحمتی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۳۸)

۵. صندوق تأمین خسارت‌های بدنی *مبانی فقهی حقوق اسلامی*
بر اساس صدر ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه، هدف از به وجود آمدن صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، حمایت از زیان دیدگان حوادث رانندگی است نه سایر اشخاص، ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه مصوب ۸۷/۴/۱۶ بیان می‌کند: «به منظور حمایت از زیان دیدگان حوادث رانندگی، خسارت‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه نامه، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق تأمین بیمه‌گر، فرار کردن و یا شناخته نشدن

مسئول حادثه و یا ورشکستگی بیمه‌گر قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی خسارت‌های بدنی خارج از شرایط بیمه نامه ...».

نتیجه‌ای که از این ماده می‌توان گرفت این است که:

۱. این که این قانون، جزء قوانین خاص می‌باشد و فقط مربوط به حوادث وسایل نقلیه موتوری است و دیگر هیچ. بنابراین تنها باید در موارد خاص خود مورد استناد قرار گیرد. بدیهی است صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، صرفاً اختصاص به موارد مرتبط با آن دارد.

۲. بر اساس صدر ماده ده قانون، هدف از ایجاد این صندوق حمایت از زیان‌دیدگان حوادث رانندگی است نه سایر اشخاص. ماده ۱۰ سال ۱۳۸۷ بیان می‌دارد: «به منظور حمایت از زیان‌دیدگان حوادث رانندگی، ... صندوق مستقلی به نام صندوق تأمین خسارت‌های بدنی (تأسیس می‌گردد)».

۳. قانون اصلاح ۱۳۸۷ شرایطی که می‌توان بر اساس آن از منابع صندوق استفاده نموده را محدود به موارد خاصی نموده است که جملگی مرتبط با حوادث ناشی از وسایل نقلیه موتوری است. ماده ۱۰ سال ۱۳۸۷ بیان می‌دارد: «... خسارت‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق تأمین بیمه‌گر، فرار کردن و یا شناخته نشدن مسئول حادثه و یا ورشکستگی بیمه‌گر قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی خسارت‌های بدنی خارج از شرایط بیمه‌نامه (به استثناء موارد مصرح در ماده (۷) توسط صندوق مستقلی به نام صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت خواهد شد».

۴. صندوق تأمین غیر از بیت المال است که در قانون جدید مجازات اسلامی در موارد عدیده مسئولیت ابتدایی یا ثانوی پرداخت دیه را بر عهده آن نهاده‌اند. لذا نمی‌توان حکم امثال ماده ۴۸۷ این قانون را با ماده ۱۰ و ۲۲ قانون بیمه اجباری قیاس نمود.

۵. به موجب بخشنامه‌ای که از طرف رئیس قوه قضائیه به بیمه اجباری در مورد نحوه اجرای ماده ۱۰، ۱۴، ... قانون اصلاح بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه

موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث و به منظور تمشیت امور، احقاق حقوق مردم، ارتقاء کیفی آرای صادره از دادسراها و دادگاه‌ها، سهولت و سرعت در فرآیند رسیدگی و اصلاح و بهبود روش‌های مربوط مقتضی است روسای دادگاه‌ها و دادستان‌های سراسر کشور در اعمال دقیق موارد و نکات زیر نظارت کافی به عمل آورند. (لاریجانی، ۱۳۹۳)

الف. به موجب ماده (۱۰) قانون مذکور، صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، متفاوت از صندوق بیت المال یا شرکت‌های بیمه‌گر است و در نتیجه ضرورت دارد تا شخصیت حقوقی مستقل این صندوق در طرح یا دفاع از دعاوی مورد توجه مراجع قضایی قرار گیرد.

ب. در مواردی که مقصر حادثه رانندگی، ناشناس یا متواری است اشخاص ثالث زیان دیده یا ورثه قانونی آنان با عنایت به ماده ۱۴ قانون مذکور حق دارند با ارائه مدارک لازم جهت دریافت خسارت مستقیماً به صندوق مذکور مراجعه کنند و این امر، نافی تعقیب متهم از جنبه عمومی جرم موضوع تبصره ۲ ماده ۲ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ نیست و پرونده موجود در دادسرا از جنبه عمومی مفتوح و صدور قرار منع تعقیب از طرف مراجع قضائی، به علت ناشناس بودن مقصر حادثه و جاهت قانونی ندارد.

ج. در صورتی که صندوق مزبور به تعهدات خود در قبال پرداخت خسارت به شخص ثالث زیان دیده عمل نکند، شخص ثالث زیان دیده می‌تواند مطابق مفاد ماده (۱۰) دستورالعمل اجرایی ماده (۱۴) قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث، موضوع را به بیمه مرکزی منعکس و درخواست رسیدگی کند. در هر حال این امر نافی حق مراجعه مستقیم شخص ثالث زیان دیده به مراجعه قضایی ذی صلاح و طرح دعوی علیه صندوق مذکور نخواهد بود. مسئولیت نظارت بر حسن اجرای این بخشنامه بر عهده روسای کل دادگستری‌های سراسر کشور است. (همان)

به موجب ماده ۱۱ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری، منابع مالی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به این شرح است: پنج درصد (۵٪) از حق بیمه (بیمه اجباری موضوع این قانون)، مبلغی معادل حداکثر یک سال حق بیمه، بیمه اجباری که از دارندگان وسائل نقلیه‌ای که از انجام بیمه‌ی موضوع قانون خودداری نمایند وصول خواهد شد، مبلغی که صندوق پس از جبران خسارت زیان دیدگان بتواند از مسئولان حادثه وصول نماید، درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری وجوه صندوق، بیست درصد (۲۰٪) از جرایم وصولی راهنمایی و رانندگی در کل کشور، بیست درصد (۲۰٪) از کل هزینه‌های دادرسی و جزای نقدی وصولی توسط قوه قضاییه، کمک‌های اعطایی از سوی اشخاص مختلف، در صورت کمبود منابع مالی صندوق، دولت موظف است در بودجه سنواتی سال بعد کسری منابع صندوق را تأمین نماید (ماده ۱۱ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه مصوب ۸۷/۴/۱۶).

۵. ۱. مسئولیت صندوق تأمین خسارت‌های بدنی

به موجب ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی، صندوق مستقلی به نام صندوق تأمین خسارت‌های بدنی تأسیس می‌شود که به وسیله شرکت سهامی ایران اداره خواهد شد. اداره این صندوق فعلاً به موجب بند ۶ ماده ۵ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب سی‌ام خرداد ۵۰ به بیمه مرکزی ایران واگذار شده است و قانون مورد اشاره از قلمرو عام برخوردار است و «تمام فلسفه وجودی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی در همین نکته خلاصه می‌شود که عامیت قانون به هم نخورد و جز همان کسانی که خود قانون خواسته است به هر علت از این چتر حمایتی استفاده نکنند. مثلاً متصرفان غیر قانونی وسایل نقلیه موتوری یا رانندگان فاقد گواهینامه رانندگی از مزایای آن استفاده نمایند». (علی‌آبادی، بی‌تا، ص ۷) زیرا جامعه نمی‌تواند نسبت به حقوق زیان دیدگان بی تفاوت بماند و صندوق در

موارد نیاز به صرف اثبات ورود صدمه باید به جبران خسارت آن‌ها اقدام کند. (جانعلی، ۱۳۷۲، ص ۱۸۲)

ولی در عمل، دادگاه‌ها در صورت حدوث تصادفات رانندگی و متواری بودن مسئول حادثه به صدور حکم مستقیم علیه صندوق که جز در موارد خاص، منظور همان «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی» است، می‌پردازند. این در حالی است که اولاً: دعوی مطروح و پرونده مورد نظر بر اساس آیین دادرسی کیفری و دعوی جزایی شکل گرفته. ثانیاً: بدون دفاع صندوق صورت می‌گیرد. ثالثاً: صندوق را شریک و یار بیت المال تصور می‌کنند و به پرداخت مبلغ دیه، ابتدا از محل صندوق و سپس از بیت المال اقدام می‌نمایند. رابعاً: بعضاً حتی مقید به محدوده و قلمرو صندوق در جبران خسارت نبوده و تعیین سقف مسئولیت صندوق را با توجه به آیین نامه هیأت وزیران، خلاف قانون دانسته‌اند. معمول است که در پرونده‌های کنونی، پس از احراز متواری بودن مسئول حادثه یا شناخته نشدن آن به پرداخت دیه مصدوم یا مقتول از محل صندوق اقدام می‌شود.

برای مثال در یکی از آرای دادگاه‌ها آمده است: «...چون سعی و تلاش در جهت شناسایی و دستگیری مقصر حادثه منجر به نتیجه مطلوب نشده و خونی از انسان مسلمانی ریخته شده و خون انسان مسلمان نیز محترم است و احترام به آن نیز بهای خون می‌باشد و فلسفه تأسیس صندوق در ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری، مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث مصوب ۴۷ نیز علی الظاهر همین است. لذا دادگاه... صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مندرج در ماده ۱۰ قانون مورد اشاره مستقر در شرکت سهامی بیمه ایران را به پرداخت... در حق شاکی محکوم می‌نماید. (دادنامه شماره ۸۳، ص ۷۶۱)

اصولاً عدم طرفیت بیمه‌گر در دعوی مسئولیت مدنی و ناشناخته ماندن «دعوی مستقیم زیان دیده علیه بیمه‌گر» سبب تحمیل یک وضعیت غیرمنتظره علیه شرکت‌های بیمه شده است و چون حق مخالفت با آرای کیفری را نیز ندارند و از طرفی به حسن نیت و اصل

اعتماد در روابطه بیمه‌ای پای بند می‌باشند و در مسیر اجرای حکم، مانعی ایجاد نمی‌کنند، لذا هر بار که بدون دخالت آن‌ها حکمی صادر می‌شود، انواع مختلف حقوق اساسی آن‌ها تضییع می‌شود و تبانی بسیار دو طرف، برای مطالبه دیه از بیمه صورت می‌گیرد. این وضعیت به طریق اولی اقتضا دارد که از صدور حکم علیه صندوق اجتناب شود. زیرا در دعاوی معمولی که بیمه‌گر طرف مستقیم حکم نیست و این نتایج منفی به بار می‌آید، به طریق اولی چون صندوق طرف مستقیم و محکوم علیه حکم است، مجبور به تحمل زیان و سکوت نسبت به رأی می‌باشد. بیمه‌گر حداقل می‌تواند به پرداخت خسارت و تعهدات قراردادی در مقابل بیمه‌گذار مبادرت نماید و با رأی مخالفت کند لیکن صندوق، همین حق را نیز ندارد و اگر به صورت ناشایست محکوم شد، حق اعتراض نخواهد داشت ولی حق صندوق است که مطابق آیین‌نامه مصوب خود، به پرداخت خسارت اقدام کند و حکم محکومیت مستقیم در هیچ‌جا مقررات پیش‌بینی نشده است.

۱. مطابق ماده ۶ آیین‌نامه مصوب ۴۸: «چنان‌چه خسارت وارده بر اثر حادثه‌ای باشد که مسئول حادثه فرار کرده باشد و یا پس از تحقیقات کافی، شناخته نشده باشد، زیان-دیدگان می‌توانند ظرف سه ماه از تاریخ وقوع حادثه به صندوق مراجعه و با تسلیم مدارک لازم تقاضای جبران خسارت نمایند».

۲. ماده ۹ این آیین‌نامه نیز بیان می‌دارد: «مقامات انتظامی که به حوادث وسایل نقلیه موتوری زمینی رسیدگی می‌کنند، در صورتی که متوجه شوند مسئول حادثه فاقد بیمه‌نامه موضوع قانون بیمه شخص ثالث است یا در مواردی که مسئول حادثه فرار کرده یا شناخته نشده باشد موظف‌اند یک نسخه از صورت مجلس و گزارش خود را در مورد حادثه برای اطلاع صندوق ارسال دارند».

۳. صندوق تأمین ماده ۱۰ نیز بیان می‌کند: «پس از دریافت درخواست غرامت زیان-دیدگان و وصول پرونده خسارت و اطلاعیه بیمه‌گر در مورد مطالبه خسارت زیان‌دیدگان و

مدارک و اسناد لازم دیگر مدارک واصله را مورد بررسی قرار می‌دهد و با توجه به مقررات این آیین نسبت به پرداخت خسارت اقدام می‌کند».

یکی از علل اصلی اشتباه رویه قضایی ایران و محکومیت مستقیم صندوق در پرونده کیفری عبارت از تصور وحدت ماهیت «دیه» و «خسارت بدنی» موضوع ماده ۱۰ قانون ۱۳۴۷ می‌باشد، بی‌گمان دیه دارای جنبه جزایی نیز می‌باشد و به هر حال نوعی مجازات بر شمرده شده است (هر چند ماهیت حقوقی نیز دارد و در حقیقت آثار هر یک را در خود جمع کرده است). (کاتوزیان، بی‌تا، ص ۵۷) لیکن خسارت پرداختنی از طرف صندوق، هرگز به معنای دیه یا هر نهاد کیفری مشابه آن نیست بلکه نوعی جبران زیان و در حقیقت از آثار «دولت با رفاه اجتماعی و تضمین اجتماعی» می‌باشد و فلسفه آن هم‌چنان که گفته شد، اعاده وضع به زیان‌دیدگان و کمک به آن‌ها در جبران صدمات و زیان‌های وارده است و حتی قابل مقایسه با مسئولیت مدنی نیست. زیرا بنا به فرض، مسئول حادثه شخص دیگری است و صندوق با پرداخت خسارت، قائم مقام زیان دیده در رجوع به مسئول می‌شود.

با توجه به تفاوت اساسی دیه و جبران خسارت صندوق، معلوم نیست علت ادغام آن‌ها و صدور رأی مستقیم از مجری کیفری علیه صندوق چیست؟ امری که هرگز در حوزه حقوق جزا نیست چرا به طور مستقیم و بدون مراجعه اولیه به صندوق و در صورت امتناع آن همراه با طرح دعوی با تقدیم دادخواست مقرر، مورد حکم قرار می‌گیرد؟

حضور صندوق در دعوی مستقل، این امکان را می‌دهد که شرایط تحقق مسئولیت خود را که مورد ادعای زیان دیده می‌باشد، منتفی اعلام کند. گفته شد در موارد مشخص، باید به جبران خسارت از صندوق اقدام کرد و در این موارد، صندوق حق دارد با اثبات معلوم بودن مسئول حادثه یا شناخته شدن و امکان حضور وی یا اعتراض به نظریات کارشناسی و اثبات تقصیر خود زیان دیده و نظایر آن به رفع مسئولیت خود اقدام کند. نتیجه این است که برای رعایت زیان دیده باید با تقدیم مدارک خود به صندوق، مطالبه خسارت کند و در صورت عدم تمکین صندوق به تقدیم دادخواست علیه آن مطابق مقررات اقدام نماید. در

این راه تمام حقوق خواننده دعوی برای صندوق وجود دارد، زیرا در این زمان مانند هر مدیون ممتنعی است که به هر دلیل دین خود را ایفا ننموده و چاره‌ای جز رجوع به دادگاه و مطالبه وجوه بابت «خسارت» و نه هر عنوان دیگر وجود ندارد. با این توضیح، تمام دادنامه‌های صادره از دادگاه جزایی که به صورت مستقیم، صندوق را محکوم نموده‌اند، فاقد مبنای تحلیلی و نوعی تضييع حقوق بیت المال است. (خدابخشی، ۱۳۸۴، ص ۵۲)

۶. صندوق و بیت المال

یکی دیگر از موارد بطلان رویه قضایی، مقایسه صندوق و بیت المال به‌عنوان دو منبع پرداخت خسارت و دیه قتل می‌باشد.

در قانون مجازات اسلامی بر اساس فقه امامیه، برای رعایت حرمت خون مسلمان (لا یطل دم امرء مسلم) هر گاه انسان مسلمانی کشته شود و به قاتل دسترسی نباشد، دیه قتل از بیت المال پرداخت می‌شود. (مواد ۲۵۵، ۲۶۰، ۳۱۳ و تبصره ماده ۲۴۴ قانون مجازات اسلامی) به موجب ماده ۱۰ قانون ۱۳۴۷ نیز هر گاه مسؤل حادثه فرار کند یا شناخته نشود، خسارت از صندوق پرداخت می‌شود.

این موارد به ظاهر هیچ تعارضی با یکدیگر ندارند و هر یک در محل خود اجرا خواهند شد. ولی این نتیجه مورد قبول رویه قضایی نیست و بدون توجه به تفاوت جوهری آن‌ها و جایگاه شخصیت حقوقی هر یک، قلمرو آن‌ها را ادغام و مخلوط و در حقیقت آشفته کرده است. بسیار دیده شده در تصادفات رانندگی که منجر به قتل شخصی می‌شود، رویه قضایی دیه مقتول را به صورت طولی (یعنی ابتدا صندوق و نسبت به مازاد تعهد صندوق، بیت المال) یا به نحو عرضی (صندوق یا بیت المال به صورت مستقل) عهده صندوق و بیت المال قرار می‌دهد بدون این‌که از خود سؤال کند موقعیت حقوقی این دو چگونه است؟ (خدابخشی، ۱۳۸۴، ص ۵۴)

در ابتدا به بررسی آرا صادر شده می‌پردازیم. نخست، محکومیت طولی: بدین نحو که در مورد قتل ناشی از تصادفات رانندگی، ابتدا صندوق محکوم شده است و به دنبال آن بیت المال: «تصادفی در ... قم ... به وقوع پیوسته و موتور سیکلت سوار بلافاصله محل را ترک و متواری می‌گردد و عابر ... به علت ضربه مغزی و عوارض ناشی از آن فوت می‌نماید. سعی دادگاه جهت شناسایی متهم حادثه به نتیجه نرسیده علی‌هذا دادگاه با احراز حدوث حادثه و فوت مرحوم به لحاظ عدم شناسایی متهم اولیاد می‌توانند به استناد ماده ۱۰ قانون بیمه به صندوق بیمه مرکزی ایران جهت دریافت دیه مراجعه و چنانچه به علت عدم کفایت و جبران پرداختی از سوی بیمه مرکزی، اولیاء دم می‌توانند باقی مانده دیه را مستندا به ماده ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی از بیت المال دریافت نمایند. صرف نظر از ایراد به رأی از حیث ذکر ماده ۱۰ قانون بیمه به جای قانون مصوب ۱۳۴۷، این رأی تا جایی که مستلزم محکومیت صندوق نیست بلکه حق مراجعه به آن را اشاره می‌کند صحیح است، اما قسمت دوم که بیانگر ادغام صندوق و بیت المال است ایراد دارد خواهد آمد.

«در خصوص اعلام بستگان آقای ... مبنی بر این که نام برده در خیابان، در اثر تصادف از بین رفته ... با توجه به این که شخص مقصر در تصادفات شناسایی نگردیده، دادگاه به استناد ماده ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسؤلیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه، رأی به پرداخت دیه متوفی توسط صندوق تأمین خسارت‌های بدنی زیر نظر بیمه مرکزی ایران و مابه‌التفاوت کسری دیه کامل مرد مسلمان از صندوق بیت المال در حق اولیاء دم صادر و اعلام می‌نماید». (دادنامه ش ۸۰۷، ص ۸۳)

دوم، محکومیت عرضی: «در خصوص گزارش مأمورین مبنی بر قتل غیر عمدی مرحوم ... بر اثر بی احتیاطی در امر رانندگی و متواری شدن راننده خودرو ... دادگاه ضمن احراز وقوع جرم مستندا به مواد ۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری دارندگان وسایل نقلیه موتوری در قبال اشخاص ثالث، بیمه مرکزی ایران

مکلف به پرداخت یک دوم دیه کامله مرد مسلمان در حق اولیاء دم متوفی نمایند». (دادنامه شماره ۹۵۴، ص ۸۳)

با بررسی تحلیلی می‌توان به نکات ذیل نایل آمد:

۱. در حالی که صندوق خسارت یا زیان بدنی را جبران می‌کند، بیت المال «دیه» مقتول را می‌پردازد.
۲. صندوق منحصر در حوادث رانندگی است ولی بیت المال قلمرو عام دارد و قتل ناشی از هر حادثه‌ای را در بر می‌گیرد.
۳. بیت المال دیه قتل را با یکی از شرایط ذیل می‌پردازد. عدم دسترسی به قتل و شناخته شدن او (فرار قاتل) عجز از اثبات قتل در قسامه و انحلال اماره لوث. ولی صندوق علاوه بر فرار مسؤلیت حادثه یا شناخته نشدن آن، به هنگام حضور او و بیمه نبودن یا بطلان یا تعلیق قرار بیمه یا تعلیق تأمین بیمه‌گر یا ورشکستگی او، به پرداخت مبادرت می‌کند.
۴. بیت المال متولی پرداخت دیه «قتل» است و همان‌طور که در ادامه خواهد آمد غیر از آن قابل پذیرش نیست ولی صندوق صدمات بدنی را نیز شامل می‌شود.
۵. تحقق ماده ۱۰ قانون و مسؤلیت صندوق منوط به احراز و اثبات مسؤلیت عامل صدمه و شخص متواری است. به عبارت بهتر باید شخص دیگری مسؤول باشد تا صندوق جبران کند. لیکن مسؤلیت بیت المال نیازی به «اثبات مسؤلیت» قاتل فراری و شناخته شده ندارد و به محض تحقق قتل و «مردد بودن» بین مشروعیت این قتل، مثلاً به دلیل دفاع مشروع یا نامشروع بودن آن و عدم احراز مشروعیت آن، مستقر خواهد شد. به تعبیر دیگر «مشروع بودن» قتل مانع تحقیق مسؤلیت بیت المال است. مثلاً ممکن است قتل از روی دفاع مشروع صورت گیرد ولی قاتل متواری گردد. در این حالت اگر دفاع مشروع ثابت شود مسؤلیت منتفی است ولی اگر دفاع مشروعی به اثبات نرسید و در عین حال، غیر قانونی بودن قتل نیز مدلل نگردید، بیت المال باید دیه را پرداخت کند ولی صندوق در صورت

تردید در مشروع یا نامشروع بودن صدمه و قتل، مسؤولیتی ندارد و تنها با اثبات نامشروع بودن آن و تحقق مسؤولیت شخص اصلی مسؤول خواهد بود.

۶. یکی دیگر از تفاوت‌های صندوق و بیت المال در مسأله تغلیظ دیه است که در خصوص بیت المال، بعضاً پذیرفته می‌شود لیکن در مورد صندوق قابل پذیرش نیست با عنایت به وجوه تمایز صندوق و بیت المال، اقدام رویه قضایی در محکومیت هم زمان (عرضی - طولی) صندوق یا بیت المال صحیح نیست و باید توجه داشت منابع مالی که صندوق یا بیت المال را پوشش می‌دهد، در قانون مشخص شده و از هم جدا باشند. (خدابخشی، ۱۳۸۴، صص ۵۴-۵۵)

در قانون بودجه، هر سال مبلغ معینی برای پرداخت دیه در موارد قانونی تخصیص می‌یابد در حالی که منبع مالی صندوق، همان‌طور که سابقاً بیان شد، مستقل و جداست. بنابراین چگونه می‌توان به اختیار، مسؤولیت را عهده صندوق یا بیت المال قرار داد و در حقیقت نظم مالی آن‌ها را به هم ریخت. به این ترتیب با توجه به مقررات عام دیات و شمول آن نسبت به دیه کامل و نیز محدودیت تعهد صندوق، باید گفت در هر مورد که قتلی صورت می‌گیرد و به قاتل دسترسی نیست، بیت المال عهده‌دار پرداخت است و صندوق مسؤولیتی ندارد. ولی در سایر موارد مسؤول است در حالی که بیت المال، تعهدی ندارد (نظیر بطلان قرار داد بیمه یا ورشکستگی بیمه‌گر) تنها فرض مورد تردید، هنگامی است که در قتل ناشی از تصادف رانندگی، در عین این‌که متهم حضور دارد و ابتدائاً بیت المال مسؤولیتی ندارد، لیکن به دلایل دیگر نظیر تحقق ماده ۳۱۳، بیت المال، متعاقباً مسؤولیت پیدا کند و قرارداد بیمه نیز باطل باشد یا به حالت تعلیق درآید. در این مورد از یک سو بیت المال به لحاظ ماده ۳۱۳ و صندوق به لحاظ ماده ۱۰ مسؤولیت بیت المال قرار داد. درست است که مسؤولیت بیت المال خلاف اصل می‌باشد لیکن، این مورد از مصادیق قاعده مذکور (خلاف اصل بودن مسؤولیت بیت المال) نیست. علت این است که اولاً ظهور ماده ۱۰ بر زیان بدنی و جبران خسارت ناظر بر غیر قتل است یا حداقل در مورد قتل، باید قدر

متیقن آنرا در نظر گرفت. ثانیاً بیت المال به لحاظ عدم محدودیت سقف تعهد و پذیرش تغلیظ دیه در آن، اولی از صندوق است. (خدابخشی، ۱۳۸۴، ص ۵۶)

۷. رویه قضایی در دادسرا و دادگاه

در صورتی که حادثه‌ای مانند تصادف اتفاق بیفتد که منجر به فوت غیرعمدی می‌شود و شخص متوفی شناسایی می‌شود و اولیای دم نیز شناسایی می‌شود ولی شخص متهم شناسایی نمی‌شود در این جا دادیار رسیدگی می‌کند و در صورتی که مشخص شد که مقصر حادثه قابل شناسایی نیست.

الف. طبق ماده ۲۵۵ ق.م.ا. سال ۱۳۸۷، از دادگاه درخواست می‌کند که طبق ماده ۲۵۵ ق.م.ا. دیه از بیت المال پرداخت شود. در این صورت وقتی پرونده به اجرای احکام آمد وقت نظارت تعیین می‌شود و اولیای دم با ارسال اخطاریه به عنوان شاکی دعوت می‌شوند و همانند مدارکی که بیمه برای پرداخت دیه می‌خواهد صندوق بیت المال هم آن‌ها را درخواست می‌کند و گواهی انحصار وراثت را هم درخواست می‌کند که به صندوق بیت المال معرفی می‌شوند در این صورت صندوق بیت المال، اولیای دم را به بیمه مرکزی معرفی می‌کند که بخش از دیه را بیمه مرکزی پرداخت می‌کند و بعد از آن اولیای دم باقیمانده دیه را از صندوق بیت المال دریافت می‌کنند.

ولی بر طبق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۲۸۵۶ - ۱۳۹۳/۱۱/۱۸ اداره کل حقوقی قوه قضائیه، چنانچه در حادثه رانندگی منجر به صدمه بدنی غیرعمدی، راننده مقصر ناشناس متواری گردد.

اولاً، مطابق ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری سال ۱۳۸۷، پرداخت خسارت بدنی اشخاص ثالث به عهده صندوق تأمین خسارت‌های بدنی است که اشخاص ثالث زیان‌دیده مستنداً به ماده ۱۴ همان قانون حق دارند با ارائه مدارک لازم از جمله گزارش افسرکاردان تصادفات راهنمایی و رانندگی یا پلیس راه برای دریافت خسارت، مستقیماً به

صندوق مذکور مراجعه نمایند و نیازی به صدور حکم دادگاه و کیفرخواست ندارد؛ بلکه داسرا یا دادگاه می‌توانند، زیان‌دیده یا اولیاءدم را جهت دریافت دیه به صندوق یادشده دلالت نمایند و چنان‌چه صندوق از پرداخت دیه خودداری نماید، زیان‌دیده یا اولیای دم می‌توانند با عنایت به رأی وحدت رویه ۷۳۴ - ۱۳۹۳/۷/۲۱ جهت مطالبه دیه اقدام کنند و در هر حال، در این خصوص داسرا تکلیف دیگری ندارد. اما در رابطه با جنبه عمومی جرم تا معرفی و دستگیری متهم، پرونده در داسرا مفتوح می‌ماند و صدور قرار منع تعقیب به علت ناشناس بودن راننده مقصر، وجه قانونی ندارد.

ثانیاً، در صورت مطالبه دیه توسط شاکی یا اولیاءدم از بیت المال به استناد مواد ۴۷۰ و ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، پرونده کیفری بدون صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست به دادگاه عمومی جزایی ارسال می‌گردد و دادگاه با بررسی موضوع و احراز شرایط قانونی، حکم به پرداخت دیه از بیت المال را صادر می‌نماید.

بنابراین با توجه به نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه، مسئولیت این دو صندوق ارز هم متمایز شد و صندوق خسارت‌های بدنی در مواردی که در ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسیله نقلیه در برابر اشخاص ثالث بیان داشته مسئولیت دارد و محدود به همین ماده می‌باشد. و اما در مورد عدم شناسایی شخص متواری شده، در صورتی که مربوط به صدمات بدنی مسئول پرداخت می‌باشد و در صورت متواری شدن قاتل، بیت المال مسئول پرداخت می‌باشد و محدوده کار آن‌ها از بدین طریق از هم متمایز می‌شود.

نتیجه

۱. مهم‌ترین مبنایی که برای این مسئولیت بیت المال وجود دارد روایات و تعبیر فقها است که بر آن تأکید فراوانی شده است قاعده‌ی «لایبطل دم امری مسلم» است که «حرمت هدر رفتن خون» تنها اختصاص به قتل ندارد و شامل جراحات وارد بر اعضای بدن و منافع هم می‌باشد.

۲. در مواردی علت مسئولیت بیت المال، قصور حکومت در ایفای وظایف خویش و سهل‌انگاری در اداره‌ی مناسب جامعه است. پرداخت دیه افرادی که در ناآرامی‌ها، ازدحام جمعیت و ... کشته شده‌اند، بر همین اساس است.
۳. با توجه به روایت‌هایی که در مورد قاعده «الضمان بالخراج»، و «لا یبطل دم امرء مسلم» شد و هم‌چنین در مورد جنبه‌های سیاسی، مصالح اجتماعی و اعتقادی و جهات عاطفی بیان شد، به صورت کلی، بیت المال مسئول پرداخت دیه می‌باشد.
۴. با توجه به بررسی ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری و مسئولیت صندوق خسارت‌های بدنی و رویه قضایی این نتیجه به دست آمد که رویه قضایی ابتدا صندوق خسارت بدنی را مستقیماً مسئول پرداخت دیه می‌کرد و برای مابه‌التفاوت دیه، بیت المال دیه را پرداخت می‌کرد اما با نظریه جدید اداره کل حقوقی قوه قضائیه مسئولیت این دو صندوق از هم متمایز گردید و در صورت فرار کردن مسئول حادثه، در صورت صدمات بدنی و سایر خسارت‌های ذکر شده در ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی وسایل نقلیه موتوری، اولیاء دم با ارائه مدارک مورد نیاز و با مراجعه به صندوق خسارت‌های بدنی (اداره بیمه) برای وصول دیه اقدام کنند و در غیر این موارد در صورت متواری شدن شخص مسئول حادثه، بیت المال مسئول پرداخت دیه به اولیاء دم می‌باشد.

منابع

- قرآن، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- اباذری فومشی، منصور، شرح قانون مجازات اسلامی، بی‌جا، انتشارات بهرام، ۱۳۷۹ ش.
- ابن ابی جمهور، محمد بن علی، عوالی اللئالی العزیزیه، قم، دار سید الشهداء، ۱۴۰۵ ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین، علل الشرائع، بی‌جا، انتشارات مکتب الحیدریه، ۱۳۸۶ ق.
- همو، من لا یحضره الفقیه، ترجمه از علی اکبر غفاری و محمد غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۴۰۹ ق.
- ابن سعید حلّی، یحیی، نزهة الناظر فی الجمع بین الأشباه والنظائر، قم، منشورات رضی، ۱۳۹۴ ق.
- ابن هشام، محمد بن اسحاق، السیره النبویه، قم، انتشارات مصطفوی، ۱۳۶۸ ش.

- بروجردی، حسین طباطبایی، جامع احادیث الشیعة، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، ۱۴۲۹ق.
- همو، منابع فقه شیعه، ترجمه حسینیان قمی، مهدی صبوری، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، ۱۴۲۹ق.
- جانعلی، محمود صالحی، حقوق زیان دیدگان و بیمه شخص ثالث، تهران، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ش.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق.
- همو، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ق.
- حسینی شیرازی، الفقه، ج ۲، بیروت، انتشارات دارالعلوم، ۱۴۰۹ق.
- حسینی عاملی، جواد بن محمد، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، بی جا، انتشارات لطفی، ۱۴۰۷ق.
- دادنامه شماره ۷۶۱-۸۳/۴/۱۸ در پرونده شماره ۸۳/۵۶۸ شعبه دوم دانشگاه عمومی کامیاران.
- دادنامه شماره ۹۵۴ مورخ ۸۳/۷/۲۰ شعبه ۱۰۵ دادگاه عمومی جزای شهرری، پرونده شماره ۱۴۶/۱۰۵/۸۳.
- رحمتی، محمد، کتاب القصاص، قم، ناشر مولف، ۱۴۱۹ق.
- شهید اول، محمد بن مکی، غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۴ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ق.
- صدر، محمد، ماوراء الفقه، بیروت، دار الأضواء للطباعة والنشر و التوزيع، ۱۴۲۰ق.
- طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل، قم، انتشارات آل البيت، ۱۴۰۴ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۹۰ق.
- همو، تهذیب الأحكام، ج ۴، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
- علی آبادی، ایرج، صندوق تأمین خسارت های بدنی، فصلنامه بیمه مرکزی ایران، شماره چهارم.
- عوض ادريس، احمد، ديه، ترجمه علیرضا فیض، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۲ش.
- فخر المحققین حلّی، محمد بن حسن بن یوسف، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷ق.
- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۶، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۱۲ق.

- کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، ج ۳، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
- همو، الکافی، قم، دار الحدیث للطباعة و النشر، ۱۴۲۹ق.
- دادنامه شماره ۹۵۴ مورخ ۸۳/۷/۲۰ شعبه ۱۰۵ دادگاه عمومی جزای شهرری، پرونده شماره ۱۴۶/۱۰۵/۸۳.
- کوفی، محمد بن محمد، الجعفریات - الأشعثیات، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه. بی تا.
- گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی، کتاب الشهادات، قم، مقرر کتاب، ۱۴۰۵ق.
- لاریجانی، صادق، بخشنامه رئیس قوه قضاییه برای بیمه اجباری، ۱۳۹۲ش.
- مجلسی اول اصفهانی، محمد تقی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۲، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ق.
- مجلسی دوم اصفهانی، محمد باقر بن محمد تقی، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۶ق.
- همو، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۴ق.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن، نکت النهایه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۲ق.
- مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج ۲، مصر، انتشارات دارالمعارف، ۱۳۸۳ق.
- مفید، محمد بن محمد، المقنعه، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، بحوث فقهیه هامه، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۲ق.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۳، تهران انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ق.
- نسایی، احمد بن شعین، سنن النسائی، بیروت، دار الفکر، ۱۹۳۰م.
- هاشمی، محمود، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، بی تا.